



ایران در آستانه
انتخابات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شورای اجتماعی کشور

جستارهایی در
ایران در آستانه انتخابات

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

آبان ۱۳۹۴

جستارهایی در

ایران در آستانه انتخابات

به سفارش شورای اجتماعی کشور

رصد فرهنگ و اجتماع - ۳

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

آبان ماه ۱۳۹۴

جستارهایی در ایران در آستانه انتخابات / [تهیه و گردآوری] پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، رصد فرهنگ و اجتماع؛ [برای] شورای اجتماعی کشور. - تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۴.

۳۶۶ ص.؛ جدول، نمودار. - (رصد فرهنگ و اجتماع؛ ۳)

موضوع: ۱. ایران. مجلس شورای اسلامی - انتخابات - مقاله‌ها و خطابه‌ها ۲. ایران. مجلس شورای اسلامی - انتخابات - جنبه‌های جامعه‌شناختی ۳. انتخابات - ایران
شناسه افزوده: الف. ایران. وزارت کشور. معاونت اجتماعی. شورای اجتماعی کشور ب. فروست

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ج. ۵ / الف / ۱۷۱۶ DSR

رده بندی دیویی: ۰۸۴۴/۹۵۵

جستارهایی در ایران در آستانه انتخابات

شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

نوبت چاپ: آبان ۱۳۹۴

فهرست مطالب

مقدمه / سیدمرتضی میرباقری _____ ۷

■ ■ ■ انتخابات و ملاحظات اجتماعی فرهنگی

- ۱۱ _____ پیچیدگی جامعه و کنش جمعی مردم در ایران / محمد آقاسی
- ۲۱ _____ نگاهی به رابطه روحانیت و مجلس، از مشروطه تا امروز؛ استغنائی سازمان روحانیت از مجلس / حسن اجرایی
- ۳۳ _____ انتخابات پارلمانی، هویت جمعی و امر سیاسی / ریحانه اصلان زاده
- ۴۱ _____ سازمان‌های رفاهی، کنترل سیاسی، شهروندی / رضا امیدی
- ۴۷ _____ تأملی بر مشارکت طبقه متوسط در انتخابات پیش‌رو / یاسر باقری
- ۵۷ _____ پیامدهای نگاه اصلی به جای نگاه آلی به انتخابات در ایران / محمدرضا جوادی یگانه
- ۷۱ _____ اقوام و انتخابات / ابراهیم حاجیانی
- ۸۳ _____ بررسی هویت مورد نظر گفتمان جمهوری اسلامی ایران در قبال زنان / سید محمدمهدی خوبی
- ۹۷ _____ وندالیسم انتخاباتی؛ تخریب اموال عمومی یا تخریب افکار عمومی؟ / محمدمهدی رحمتی
- ۱۰۳ _____ اقتصاد انتخابات مجلس / علی سرزعی
- ۱۱۱ _____ لنینی شدن فرایند / علیرضا شجاعی زند
- ۱۲۳ _____ امتناع وعده‌های انتخاباتی در سطح ملی / عباس عبدی
- ۱۳۱ _____ مجلس شورای اسلامی و سرمایه اجتماعی / غلامرضا غفاری
- ۱۴۱ _____ تحلیل پیامدهای اجتماعی و فرهنگی انتخابات؛ از منظر منازعات کلامی / محمد جواد غلامرضا کاشی
- ۱۵۱ _____ الزامات مجلس دهم برای بقا و ارتقای ایران / محمد فاضلی
- ۱۶۳ _____ گذار به مردم‌سالاری مستقیم / ناصر فکوهی
- ۱۷۱ _____ دروغ‌گویی در انتخابات؛ اشکال، سطوح، و پیامدها / حسن محدثی گیلوایی
- ۱۹۵ _____ احزاب شه‌ساخته دوره پهلوی و انتخابات / رضا مختاری اصفهانی
- ۲۰۳ _____ انتخابات فرصتی برای انشقاق یا ائتلاف / احمد میدری
- ۲۱۵ _____ ملاحظات درباره انتخابات در ایران / جواد میری
- ۲۲۳ _____ انتخابات و فرهنگ شهرت؛ مشاهیر ورزشی و هنری (سلبریتی‌ها) و انتخابات در ایران / راضیه یاسینی

■ ■ ■ انتخابات و مطالبات

- ۲۳۹ _____ انتخابات و مطالبات زنان / شیرین احمدنیا
- ۲۴۹ _____ انتخابات و مطالبات رأی اولی‌ها / سمیه توحیدلو
- ۲۶۳ _____ انتخابات، آموزش عمومی و مسئله آب / جبار رحمانی

- ۲۷۳ _____ مطالبات در حوزه گاز طبیعی و آینده ایران / مجید عباسی
- ۲۸۱ _____ انتخابات و اقلیت‌های مغفول: صدا و ژئوپلیتیک قومی-دینی / مهرداد عربستانی
- ۲۹۳ _____ رصد اقتصاد هنر ایران در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی / محمدرضا مریدی

■ ■ ■ انتخابات و رسانه‌ها

- ۳۰۱ _____ رویکرد شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای به انتخابات ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۰۹ _____ استفاده از ظرفیت پیام‌رسان‌های موبایلی در انتخابات / شادی ضابط
- ۳۱۹ _____ آن‌لاین بدون ایمیل / محمد معماریان
- ۳۳۱ _____ الگوی تبلیغات رسمی انتخابات در ایران با تأکید بر صداوسیما / نوح منوری
- ۳۳۹ _____ ناآرامی در نهاد ناپایدار شبکه همراه / فرشاد مهدی‌پور
- ۳۴۷ _____ رفتار انتخاباتی با نگاهی به مصرف رسانه‌ای / عباس نعمتی
- ۳۵۷ _____ اهمیت ویدئوهای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی مجازی در آستانه انتخابات مجلس دهم / حسین یزدان‌شناس

■ ■ ■ مجلس شورای اسلامی و سرمایه اجتماعی

غلامرضا غفاری

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

۱. مقدمه

مجلس قوی مجلسی است که در فرایندی دموکراتیک و رقابتی مبتنی بر رویه‌های قانونی و مشروع شکل گرفته و نیروهایی را که از سطح بالایی از دانش تخصصی در عرصه‌های متنوع تقنینی و نظارتی برخوردارند، در خود دارد. چنین مجلسی نه تنها حافظ و مقوی سرمایه اجتماعی نهاد مجلس است، بلکه برای حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی ملی سهم و نقش تعیین کننده‌ای دارد؛ و برعکس، از یک مجلس ضعیف هرگز نمی‌توان انتظار ارتقای سرمایه اجتماعی را در مقیاس نهادی و ملی داشت. حال، باید دید مشخصه‌های مجلس قوی و ضعیف کدام‌اند که مولد و فرساینده سرمایه اجتماعی می‌شوند. سرمایه اجتماعی یک کشور در مقیاس کلان آن معطوف به دارایی، قابلیت و توانمندی است که نظام سیاسی و نهادهای اصلی آن بهره‌مند از آن هستند. این سرمایه در معنای تجربی‌اش عمدتاً دلالت بر مواردی چون پنداشت جامعه نسبت به توانایی نظام و نهادهای اصلی آن در حل و سامان‌دهی

مسائل و مشکلات موجود و پیش رو، و نیز اعتماد به بخش‌ها و افرادی که آنها را نمایندگی می‌کنند دارد. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی هر جامعه در گرو داشته‌هایی است که به افراد، گروه‌ها، اجتماعات، انجمن‌ها، سازمان‌ها، نهادها و قوای حاکم بر آن جامعه نسبت می‌دهند؛ داشته‌هایی که خود حاصل رویه‌ها، منطق، استراتژی و عملکرد نظام، نهادها، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد است. سرمایه اجتماعی یک نهاد و سازمان بنا به اعتماد، مقبولیت، کارآمدی، اثرگذاری و جایگاهی که در اذهان و پنداشت اعضای یک جامعه دارد تعیین می‌شود. بنابراین، سرمایه اجتماعی نهادی چون مجلس شورای اسلامی در گرو اقتدار نهادی، کارآمدی و اثربخشی، شفافیت و پاسخ‌گویی، بی‌طرفی، دقت، همه‌جانبه‌گری، عام‌گرایی و وحدت در رویه‌هاست؛ و برعکس، نبود نظم و اقتدار سازمانی و نهادی، ناکارآمدی، ابهام، جانبداری، بی‌دقتی، جز‌نگری، خاص‌گرایی و تناقض در رویه‌ها، فرساینده سرمایه اجتماعی آن نهاد هستند. مجلس شورای اسلامی، اصلی‌ترین نهاد قانون‌گذاری که برآمده از آرای مستقیم مردم است، نهادی است که بسان دیگر نهادهای اجتماعی و سیاسی، بهره‌مند از مجموعه اجزائی است که حوزه تقنینی یا قوه مقننه کشور را تشکیل می‌دهد. این مجموعه شامل رویه‌ها (مشمول بر قواعد، مسئولیت‌ها و وظایف)، نمایندگان، کمیسیون‌ها و تشکلهاست که در تعامل و ارتباط سازمانی که با یکدیگر دارند، پیگیر کارویژه‌ها و مأموریت‌های لحاظ‌شده برای این نهاد و قوه هستند. نهاد مجلس عهده‌دار کارویژه‌های وضع قانون، تغییر و اصلاح قوانین، بررسی و تصویب یا رد لوایح تقدیم‌شده از سوی دولت، تحقیق و تفحص در امور کشور، تصویب عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌های بین‌المللی، تصویب گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بلاعوض داخلی و خارجی، دادن رأی اعتماد به هیئت وزیران و نیز سؤال و استیضاح آنهاست. در این نوشته در نظر داریم بیشتر به سهم نهاد مجلس شورای اسلامی در حفظ و تولید سرمایه اجتماعی ورود پیدا کرده، در عین حال بنا به داده‌های در اختیار، به برخی از یافته‌های آماری که نشان‌دهنده وضعیت سرمایه اجتماعی این نهاد است اشاره کنیم.

۲. نهاد مجلس و تولید سرمایه اجتماعی

اینکه چرا نهاد مجلس برای تولید و حفظ سرمایه اجتماعی نهادی مهم و

پرسهم و نقش است، نگاه به کارویژه‌های پیش‌گفته می‌تواند این مهم‌بودن را به‌خوبی نشان دهد و مهم‌تر اینکه وجود تعبیر مجلس در رأس امور، در اذهان اجتماعی نیز این نهاد را جایگاه خاصی بخشیده و به تبع آن خود موجد انتظارات به نسبت گسترده نیز است. به نظر می‌رسد مهم‌بودن سهم نهاد مجلس را در مورد سرمایه اجتماعی می‌توان حداقل در سه زمینه قانون‌گذاری، نظارت و رویه‌های عملی مواجهه با مسائل و موضوعات اجتماعی و سیاسی مدّ نظر قرار داد:

۲. ۱ قانون‌گذاری

عنوان شد کارویژه اصلی نهاد مجلس قانون‌گذاری و اصلاح قوانین است. وجود قانون و نظم مبتنی بر آن پیش‌نیاز بنیادی برای نیل به جامعه‌ای بهره‌مند از نظم پویا و توسعه پایدار و در تراز مناسب است. پرسش این است که چه نوع قوانینی می‌توانند به ارتقای سرمایه اجتماعی نهاد مجلس و نیز سرمایه اجتماعی جامعه کمک کنند.

- به میزانی که قوانین حافظ حقوق مالکیت باشند، مولد سرمایه اجتماعی خواهند بود. از منظر سرمایه اجتماعی تأمین حقوق مالکیت و وجود امنیت در این باب، مهم‌ترین عامل برای تولید سرمایه اجتماعی در هر جامعه است؛ تا جایی که می‌توان گفت وقتی از سرمایه اجتماعی به مثابه حلقه مفقوده توسعه یاد می‌شود، عمده نگاه‌ها معطوف به تأمین حقوق مالکیت است. در نتیجه، به میزانی که نهاد مجلس در تأمین حقوق مالکیت مادی و معنوی یک جامعه ورود داشته باشد، سرمایه اجتماعی خود و جامعه را ارتقا خواهد بخشید.

- گشایش‌ها و تنگناهای قانونی که فرصت‌ساز و فرصت‌ستان هستند؛ قوانینی که فرصت و زمینه را برای نوجویی، ابتکار و خلاقیت فراهم می‌سازند و از خاطیان و فرصت‌طلبان برای استفاده سوء و بهره‌گیری از رانت فرصت‌ستانی می‌کنند، به حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند.

- قوانین عام‌گرایانه تا خاص‌گرایانه که جمعیت هدف خود را آحاد افراد جامعه تعریف می‌کنند و نه جمعیت و گروه‌های معینی که بخش‌های محدودی از جمعیت را تحت پوشش دارند، در تولید سرمایه اجتماعی سهم و نقش بیشتری دارند. چون اعتنای به طرح و قوانین عام از جانب مجلس،

طرح‌ها و قوانینی که شمول جمعیتی بیشتری دارند، مانع شکل‌گیری این تلقی می‌شود که مجلس عموم جامعه را نمایندگی نمی‌کند و به بخش‌های معین و خاصی از جامعه توجه دارد. پژوهش‌های انجام‌شده در مورد مجالس قانون‌گذاری در کشورهای مختلف به اتفاق نشان داده‌اند که برای سرمایه‌ اجتماعی مجلس، جهت‌گیری عام‌گرایانه‌داشتن حتی از کارآمدی مجلس سهم بیشتری دارد.

- هرچند که کارویژه اصلی نهاد مجلس طرح، تصویب و تنقیح قوانین است، چنانچه مجلس تبدیل به کارخانه قانون‌سازی شود و به مسئله تورم و انباشت قوانین و مصوبات دامن‌زند، قوانین و مصوباتی که چه‌بسا در تناقض با یکدیگر باشند، در عمل مانع فرایند روان‌سازی و سرعت عمل در بخش‌های اجرایی می‌شود؛ و مهم‌تر اینکه حجیم‌شدن نظام دیوانی را در پی دارد که از موانع اصلی فرسایش سرمایه اجتماعی هستند.

۲.۲ نظارت

نهاد مجلس جدا از نقش اولی که در قانون‌گذاری دارد، دارای کارویژه نظارتی هم هست. چنین کارویژه‌ای که می‌تواند به صور آشکار و پنهان عملیاتی شود، سهم مهمی در چگونگی و تضمین اجرای قانون دارد؛ امری که تحقق آن برای حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی در همه جوامع و کشورها نقشی حیاتی است.

- کارویژه آشکار نظارت، که بیانگر بررسی و ملاحظه بعد از اجرایی‌شدن مصوبات است، به نوعی در عمل موفقیت مکتوبات مصوبی که صورت قانونی پیدا کرده و فلسفه به‌وجودآمدن آنها را برای تحقق اقدامات ایجابی و سلبی در پی دارد. بخش مهمی از ناکارآمدی اجرایی به دلیل نبود نظارت لازم است که فرساینده سرمایه اجتماعی مجلس و جامعه است.

- کارویژه‌های پنهان عملکرد نظارتی مجلس، که از قضا سهم مهمی در تولید سرمایه اجتماعی دارند، را باید در زمینه پاسخ‌گویی، شفاف‌ساختن و عمل به وظایف نظام اجرایی و نیز به‌کارگیری نیروی ماهر و کارآمد از جانب دستگاه اجرایی و قضایی به منظور تحقق اهداف، در عالی‌ترین وجه و صورت آن دید. مجلس با نظارت درست و بموقع خود می‌تواند به اقتدار بروکراتیک نظام اجرایی کمک کند و از این طریق مانع ناکارایی در نظام اجرایی، که عاملی

اساسی برای فرسایش سرمایه اجتماعی است، شود. - در غیاب نظارت درست از سوی مجلس نه تنها با تخطی از اجرای قوانین و طرح‌های مصوب مواجه هستیم، بلکه با نظامی ناکارا و نوعی عمل فراقانونی و فرایندهای دلبخواه و خودسری می‌شویم که بسان سمی مهلک برای نابودی سرمایه اجتماعی کشور عمل می‌کنند.

- مسئولیت‌پذیری نسبت به پیامدهای قوانین و طرح‌های مصوب که اصولاً از طریق سازوکارهای نظارتی و تحقیق و تفحص‌های درست و بموقع می‌تواند عملیاتی شود، به گونه‌ای که سهم و نقش دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گذار در ارتباط با پیامدهای مثبت و منفی حاصل شده مشخص شود.

۲.۳ رویه‌های عملی مواجهه با مسائل

- تخصص، توانمندی و کاردانی نمایندگان که تعیین‌کننده میزان اعتماد به آنها و نیز نهاد مجلس خواهد بود. ملاحظه می‌شود وقتی در این باب صحبت از اعتماد می‌شود، حداقل می‌توان از سه نوع اعتماد سخن گفت: اعتماد شخصی که محصول توانایی و توانمندی (تخصص)، قابلیت، مقبولیت و خوش‌نامی فرد است؛ اعتماد به یک نقش یا موقعیت که نشان‌دهنده اعتماد به موقعیت حرفه‌ای یک حرفه است. موقعیت‌نمایندگی مجلس که در گرو وجود صلاحیت، کارایی، انضباط، پایداری در رفتار و عمل، منطقی و مستدل بودن، صداقت و شرافت، عادل و منصف بودن است؛ اعتماد به نهاد اعتماد به کلیتی است که بنا به مأموریت‌ها و کارویژه‌های مترتب بر آن، در خود مجموعه‌ای از رویه‌ها، اجزاء و موقعیت‌های حرفه‌ای را تعبیه کرده است. در نتیجه، مجموعه‌ای از قواعد هنجاری وجود دارند که چگونگی عمل آن نهاد در قالب رفتار و عمل کسانی که کرسی‌های موقعیتی آن نهاد را به دست آورده‌اند نمود پیدا می‌کند که در اینجا به منزله اعتماد به نهاد مجلس شناخته می‌شود. سه نوع اعتماد یادشده وقتی که از منظر دینامیزم چگونگی زایش و فرسایش اعتماد و بی‌اعتمادی مورد توجه قرار می‌گیرند، به دلیل پویایی و فرایندی بودن که ذاتی آنهاست، دارای خصیصه مهم سرایتی هستند؛ خصیصه‌ای که موجب طرح مفهوم اعتماد عاریتی شده است. بر مبنای این خصیصه، اعتماد و بی‌اعتمادی از یک نوع یا از یک سطح به نوع و سطح دیگر سرایت و انتقال پیدا می‌کند. مهم این است که سرعت این سرایت و انتقال

در مورد زایش بی‌اعتمادی به مراتب بیشتر از مورد تولید اعتماد است. وقتی که شخصی دارای سرمایه اعتماد شخصی بالاست و در موقعیت حرفه‌ای قرار می‌گیرد، به آن موقعیت اعتبار می‌دهد و عنصری سرمایه‌زا برای آن موقعیت تلقی می‌شود. در عین حال، جایگاه و موقعیت مربوط نیز اعتماد شخصی فرد را ارتقا می‌بخشد و میدان و جایگاه تازه‌ای را در اختیار فرد قرار می‌دهد؛ جایگاهی که حفظ اعتبار و منزلت آن به مراتب مهم‌تر از حفظ اعتماد و آبروی شخصی است. بی‌جهت نیست موقعیت‌های حرفه‌ای که خود را در قالب‌هایی چون اصناف و جمع‌های حرفه‌ای تعریف می‌کنند، برای خود مرامنامه و چه‌بسا کدهای اخلاقی تعریف کرده و از گروندگان و کسانی که در آن موقعیت قرار می‌گیرند می‌خواهند تا نسبت به رعایت و عمل به آنها در نظام و کردار حرفه‌ای خود سوگند یاد کنند و از این طریق افراد را متعهد و وفادار به موقعیت حرفه‌ای‌شان می‌کنند. بی‌اعتمادی از سطوح پایین‌تر، که حالت عینی‌تر و انضمامی‌تر دارند، به سطوح بالاتر سرایت و انتقال پیدا می‌کند؛ یعنی، بی‌اعتمادی شخصی به بی‌اعتمادی موقعیتی و بی‌اعتمادی نهادی منجر می‌شود. بی‌اعتمادی موقعیتی موجب شکل‌گیری نوعی تصوّر قالبی می‌شود که گویا همه فاسدند، متقلب و فاقد صلاحیت و این امر خود به بی‌اعتمادی نهادی منجر می‌شود مبنی بر اینکه نهاد مجلس کارا نیست.

- عمل در تراز ملی، حضور مؤثر و موضع‌گیری‌های سنجیده؛ هرچند جمع‌پذیری منافع محلی و منطقه‌ای با منافع ملی کاری سخت و دشوار است، در تولید سرمایه اجتماعی در مقیاس ملی سهم تعیین‌کننده‌ای دارد. این امر در گرو پایبندی به هنجارهای اجتماعی عام و اصول اخلاقی است که فراتر از منافع شخصی و بانندی هستند. افزون بر این، وقتی نمایندگان مجلس با پرهیز از نفع شخصی و بانندی، منافع جمعی و ملی را در نظام تصمیم‌گیری خود مدنظر قرار می‌دهند، تراز نمایندگی را به سطح ملی ارتقا می‌دهند؛ امری که مقوی عام‌گرایی و مای جمعی است و به انسجام و وفاق ملی قوت می‌بخشد.

- هم‌ترازی ذهن و نظر مجلس با ذهن جامعه، اینکه مجلس خود را درگیر کدام امور می‌کند؟ این امور در ذهن جامعه چه جایگاهی دارند؟ آیا اهمیت و اولویت امور مورد نظر نمایندگان با اولویت‌ها و دغدغه‌های مورد نظر جامعه

همتراز است؟ تا چه میزان موضع‌گیری‌ها و ورود به موضوعات برآمده از مطالبات و مسائل ملی و فراگیر جامعه است؟

- وجود منطق و استدلال و بهره‌گیری درست از آن برای مجاب‌سازی همواره سرمایه‌آفرین است. این امر به‌ویژه برای مجموعه‌هایی چون مجلس که به واسطه علنی‌بودن مذاکراتشان دارای مخاطبان گسترده‌ای هستند بسیار کلیدی است، چراکه علنی‌بودن مذاکرات و گزارش آن از رسانه‌های ملی که در قوانین بالادستی برای این نهاد در نظر گرفته شده است، نشان از شفافیت و ملی‌بودن فعالیت این نهاد دارد؛ امری که این نهاد را رؤیت‌پذیری بیشتری می‌بخشد. مباحث مستدل و اساسی در مذاکرات مجلس در نوع پنداشت و گمانی که مردم نسبت به مجلس پیدا می‌کنند و سرمایه و جایگاهی را که برای آن لحاظ می‌کنند باید مهم تلقی کرد، چراکه در نظر آحاد مردم، این جلسات بیانگر کمیت و کیفیت کار مجلس و تعیین‌کننده چگونگی داوری و قضاوت آنها نسبت به این نهاد است.

- پرهیز از منازعات بی‌نتیجه: اگر تلاش و اهتمام سیاسی سازنده برای نهادهای سیاسی سرمایه‌آفرین است، منازعات سیاسی بی‌پایه و برآمده از منافع فردی و جناحی ویرانگر سرمایه اجتماعی است.

۳. نگاهی به سرمایه اجتماعی مجلس

نهاد مجلس، که آن را به عنوان قوه مقننه می‌شناسیم، بی‌تردید در موفقیت نهادی و پنداشتی که نسبت به این موفقیت حاصل می‌شود، صاحب سهم و نقش است. در پیمایش ملی سرمایه اجتماعی در نیمه دوم سال ۱۳۹۳، در مورد ارزیابی مردم از موفقیت مجلس در انجام وظایفش پرسش شده است. نظر و ارزیابی مردم در خصوص موفقیت نهاد مجلس چنین اعلام شده: ۹/۹٪ خیلی کم، ۲۴/۱٪ کم، ۴۳/۲٪ تا اندازه‌ای، ۲۰٪ زیاد و ۲/۸٪ خیلی زیاد است که اگر نسبت ارزیابی خیلی زیاد و زیاد را به به خیلی کم و کم در نظر بگیریم، به عدد ۰/۶۷ می‌رسیم که از مثبت‌بودن این ارزیابی نشانی ندارد، چون اگر این عدد برابر با یک می‌شد به معنای برابری ارزیابی‌کنندگان کم و زیاد بود. نکته اینکه این ارزیابی در مناطق شهری کشور، در افراد ۳۰ تا ۵۴ سال و نیز در بین افراد دارای تحصیلات عالی در سطح پایین‌تری قرار دارد که باز نشان می‌دهد پنداشت جامعه نسبت به مجلس پنداشت مثبتی نیست. در قسمت‌های قبل

عنوان شد نهاد مجلس جدا از نقش اصلی که در قانون گذاری دارد، به دلیل کارویژه نظارتی، سهم مهمی در چگونگی و تضمین اجرای قانون دارد؛ امری که تحقق آن برای حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی در همه جوامع و کشورها نقش حیاتی دارد. در این مورد به دو مورد از ارزیابی مردم اشاره می شود: یکی در مورد احترام گذاشتن به مالکیت خصوصی و دیگری احترام به حقوق و آزادی قانونی افراد. در خصوص احترام گذاشتن به مالکیت خصوصی، ۹/۴٪ پاسخ گویان آن را خیلی کم، ۲۴/۳٪ کم، ۴۰/۲٪ تا اندازه ای، ۲۲/۶٪ زیاد و ۳/۵٪ خیلی زیاد ارزیابی کرده و در مورد احترام به حقوق و آزادی قانونی افراد ۱۰/۴٪ خیلی کم، ۲۷/۱٪ کم، ۴۱/۴٪ تا اندازه ای، ۱۸/۷٪ زیاد و ۲/۴٪ خیلی زیاد ارزیابی کرده اند که اگر نسبت ارزیابی خیلی زیاد و زیاد را به خیلی کم و کم در نظر بگیریم، برای دو مورد یاد شده به ترتیب به عدد ۰/۷۷ و ۰/۵۶ می رسیم که از مثبت بودن این ارزیابی نشانی ندارد. پایین بودن درصدها و نسبت ها حکایت از این دارد که مجلس در نیل به کارویژه های تعریف و تعیین شده دچار نوعی فاصله و تأخر است که نیازمند تلاش و اهتمام ویژه ای است تا بتواند هم برای تقویت سرمایه نهاد مجلس و هم سرمایه اجتماعی ملی نقش آفرینی کند. افزون بر این، مقوله اعتماد به نمایندگان که به نوعی در میزان اعتماد نهادی به نهاد مجلس نیز صاحب اثر است، در پیمایش ملی یاد شده مورد پرسش قرار گرفته است که ۱۰/۳٪ پاسخ گویان اعتماد به نمایندگان مجلس را خیلی کم، ۲۳/۶٪ کم، ۳۹/۷٪ تا اندازه ای، ۲۲/۳٪ زیاد و ۴/۱٪ خیلی زیاد اعلام شده و نسبت خیلی زیاد و زیاد به خیلی کم و کم این پاسخ ۰/۷۸ است که باز نشان دهنده اعتماد قابل توجهی به نمایندگان نیست. علاوه بر این، از دو سنج عام گرایی و پرهیزکاری و دگرخواهی استفاده شده است. عام گرایی به این معناست که گروه های شغلی و حرفه ای (نمایندگان مجلس) در انجام وظایف شغلی شان تا چه اندازه همه را به یک چشم ببینند و به مواردی چون قومیت، قوم و خویش بودن و... افراد و مراجعین توجه نمی کنند، و پرهیزکاری و دگرخواهی به این معناست که گروه های شغلی و حرفه ای (نمایندگان مجلس) تا چه اندازه دارای گذشت، پرهیزکاری و وجدان کاری هستند. ۹/۷٪ پاسخ گویان وجود عام گرایی را خیلی کم، ۲۶/۷٪ کم، ۴۰/۲٪ تا اندازه ای، ۱۸/۵٪ زیاد و ۴/۹٪ خیلی زیاد ارزیابی کرده اند و وجود

پرهیزکاری و دگرخواهی را ۱۰/۳٪ پاسخ‌گویان خیلی کم، ۲۴/۴٪ کم، ۴۱/۵٪ تا اندازه‌ای، ۱۹/۸٪ زیاد و ۴٪ خیلی زیاد اعلام کرده‌اند. نسبت‌ها به ترتیب برای این دو سنجه هم برابر با ۰/۶۴ و ۰/۶۹ است که کمتر از عدد یک است. در مجموع، داده‌های موجود نشان از این واقعیت دارند که نهاد مجلس برای کسب سرمایه اجتماعی مطلوب به کسب اعتماد بیشتری از جامعه نیاز دارد؛ اعتمادی که در گرو عوامل عدیده‌ای است که مهم‌ترین آنها داشتن و تحقق عملکرد نهادی موفق و مثبت‌تر در حوزه‌های تقنینی، نظارتی و نیز تقویت رویه‌های اعتمادزاست.